روزنامه شرق



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۲-۸۸۶۵۴۳۹۱ نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۲۱۳۰
چاپ: نشر روزتاب تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۶
www.sharghnewspaper.ir

تهران: اذان ظهر ۱۱:۵۰ اذان مغرب ۱۷:۴۸ اذان صبح فردا ۴:۴۸ طلوع آفتاب ۶:۱۱

شنبه ۲۳ مهر ۱۳۹۰ ● ۱۷ ذی‌القعده ۱۴۳۲ ● ۱۵ اکتبر ۲۰۱۱ ● سال نهم ● شماره پیاپی ۱۳۶۸ ● شماره ۴۴۴ دوره جدید ● ۱۲صفحه+ ۳۲صفحه‌ضمیمه

آی‌وی‌وی قدرتمندترین هنرمند زنده دنیا



خبر آنلاین: آی‌وی‌وی هنرمند چینی به عنوان قدرتمندترین مرد دنیای هنر از سوی مجله «آرت ریویو» انتخاب شد. این انتخاب، براساس نظرسنجی در این مجله صورت گرفته است. وی‌وی ماه ژوئن پس از ۸۰ روز زندانی بودن در چین آزاد شده بود. رتبه دوم امسال به مدیران گالری سرپنتین لندن یعنی هانس اولریخ اوبریست و جولیان پیتن-جونز رسید. گلن دی. لوری مدیر موزه هنرهای معاصر نیویورک هم سوم شد و لری گوگاسیان، صاحب موزه هنرهای معاصر نیویورک چهارم شد. مجله «آرت ریویو» سالانه قدرتمندترین فرد دنیای هنر را انتخاب می‌کند.

نقد فرهنگ

استیو جابز، اسلاوی ژیژک و سرمایه‌داری بدون اصطکاک



روبرت صافاریان

■ تب استیو جابز مدیر و بنیانگذار شرکت اپل در طول هفته گذشته ادامه یافت. مبتکر آی‌فون و آی‌پد در عنوان یکی از روزنامه‌های ما به لغت کبیر مفتخر شد و از آداب عزاداری ایرانی هم بی‌بهره نماند و برایش خرما پخش کردند. شوخی بامزه‌ای درفضای سایبر نشانه شدت شیفتگی ما به جابز بود. گویا خانواده جابز ضمن تشکر از همدردی ایرانی‌ها از آنها خواسته‌اند عزاداری را تمام کنند و به زندگی عادی خود برگردند.

در همین هفته روشنفکر دیگری که شهرتش در ایران کمتر از جابز نیست، یعنی اسلاوی ژیژک، در جمع معترضان ضدسرمایه‌داری در وال‌استریت سخنرانی کرد. لُب‌کلام ژیژک این بود که چنین نیست که جز سرمایه‌داری بدیل دیگری وجود ندارد، چنین نیست که ما خواه ناخواه باید در چارچوب این نظام بیندیشیم و برای معضلات جهان راه چاره بجوییم. مطرح شدن نام ژیژک مرا یاد فصلی از یکی از کتاب‌های او به نام «خشونت: پنج نگاه زیرچشمی» (نشر نی، ترجمه علیرضا پاکنهاد، چاپ دوم، صص ۳۴-۲۵) انداخت که در آن به اندیشه‌هایی پرداخته است که نمادشان بیل گیتس و دیگر مدیران شرکت‌های بزرگ کامپیوتری هستند. در این نوشته از استیو جابز نامی برده نشده، ولی سراسر فصل بسط و تشریح آن چیزی است که در نوشته هفته قبل این ستون به عنوان همنشینی دانش و ثروت، از آن نام بردیم و گفتیم استیو جابز، یکی از چهره‌هایی است که به نماد یا آیکون این همنشینی بدل شده است. آرمانشهر این اندیشه، نظام سرمایه‌داری کاملا تغییر شکل داده شده‌ای است که در آن برای ثروتمند بودن دیگر لازم نیست رذل باشی. ژیژک از چهره‌های شاخص این اندیشه به عنوان کمونیست‌های لیبرال نام می‌برد. «کمونیست‌های لیبرال مدیران اجرایی بزرگی هستند که روحیه اختلاف و مبارزه را پشت سر گذاشته‌اند یا به عبارت دیگر جوانان شیفته فرهنگ معارض هستند که زمام امور شرکت‌های بزرگ را به دست گرفته‌اند... جزمی که اینان به آن اعتقاد دارند نوع تازه و پسانوشده‌ای ازهمان دست ناپیدای قدیمی بازار است که آدم اسمیت مطرح می‌کرد. در باورهای آنان بازار و مسوولیت اجتماعی تعارضی با هم ندارند.» احترام به خواست مشتری، توجه به محیط‌زیست و شفافیت معاملات از ویژگی‌های آنهاست. آنها معتقدند امروز دیگر طبقه رنجبر استثمارشونده واحدی وجود ندارد، بلکه مشکلات ملموسی هستند مانند گرسنگی در آفریقا، وضعیت زنان و خشونت که باید برای هریک راه‌حل مشخصی اندیشید. در یک کلام، آنها این قابلیت را در نظام بازار می‌بینند که به یک «سرمایه‌داری بدون اصطکاک» (اصطلاح بیل گیتس) بدل شود که در آن سرمایه‌داران تنها ماشین‌های تولید سود نباشند، بلکه مسوولیت اجتماعی بپذیرند و اقدامات عملی در جهات بهبود اوضاع جهان انجام دهند. در این اندیشه تکنولوژی دیجیتالی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. آنها معتقدند که این تکنولوژی شرایط لازم را برای ساختن این سرمایه‌داری بدون اصطکاک فراهم می‌کند.

ژیژک البته این اندیشه‌ها را نقد می‌کند، اما نکته این نوشته و نوشته هفته قبل، این است که این اندیشه‌ها به غایت جذاب‌اند. چه چیز بهتر از باور به تکنولوژی نو و مفرحی (فراموش نکنیم کار با کامپیوتر با تفریح گره خورده است، حتی موقعی که کار جدی می‌کنی، البته احتمالا تا مدتی) که اگر باهوش باشی و بتوانی راه پول در آوردن با آن را یاد بگیری، تو را به ثروت هم خواهد رساند؟ پیشینه دهه شصتی آدم‌هایی مانند جابز و گیتس و حفظ چیزهایی از آرمان‌خواهی شورش‌های دانشجویی آن سال‌ها در حرف‌هایی که امروز می‌زنند (همین‌طور در لباس جین پوشیدن و رفتار خودمانی‌شان) سیمای رسانه‌ای آنان را چنان شکل می‌دهد که فراموش کنی رسیدن به مدیریت شرکت‌های جهانی نیاز به چگونه اخلاقیاتی در برخورد با رقیبان و به دست آوردن رگ خواب مشتری از طریق تبلیغات گسترده دارد، تبلیغاتی که غالبا از تبلیغ خصوصیات یک کالای به‌خصوص فراتر می‌روند و به نوعی تبلیغ ایدئولوژیک در این‌باره که مفهوم زندگی خوب و خوشبختی چیست، بدل می‌شوند. ژیژک گفتیم منتقد این اندیشه است اما باکی نیست، ما روشنفکران ایرانی خصلتی داریم که عبارت است از پذیرش اندیشه‌های متضاد بدون توجه به تناقضات‌شان. ما می‌توانیم ژیژک و جابز، هر دو را با هم داشته باشیم. متن سخنرانی ضدسرمایه‌داری ژیژک همان قدر می‌تواند برای ما جذاب باشد که متن سخنرانی دانشگاه استنفورد استیو جابز در ستایش برخی فضیلت‌های اخلاقی و رفتاری که می‌توانند دستیابی به ثروت میلیارد دلاری را تسهیل کنند

پلاک ۱۲

دختران تهرانی به یاد زن سرخپوش میدان فردوسی دور هم جمع شدند

بازخوانی یک پرونده عاشقانه



حمید جعفری

پنجشنبه – میدان فردوسی به ساعت پنج عصر، میعادگاه دختران و زنانی بود که برای بازخوانی یک پرونده عاشقانه با لباس‌های یکدست سرخ، دور یکدیگر جمع شده بودند. در جهت جغرافیایی شمال شرقی میدان فردوسی، تا چشم کار می‌کرد. دختران سرخپوشی را می‌شد دید که در پرفورمنس «بانوی سرخپوش» - برآمده از یک حرکت خودجوش اجتماعی - حاضر بودند. پرفورمنس «بانوی سرخپوش» این‌گونه کلید خورد که دخترانی سراپا سرخپوش هرکدام به تنهایی در روزی از هفته از ساعت پنج تا شش عصر با پوششی سرخ در میدان فردوسی می‌ایستادند. اما پنجشنبه ماجرا کمی متفاوت بود. در قسمت آخر این پرفورمنس نزدیک به ۵۰ دختر سرخپوش دور تا دور میدان فردوسی را قرق کرده بودند تا با اجرای نهایی این پرفورمنس یاد و خاطره «یاقوت» را زنده نگه دارند. خیلی‌ها که از ماجرای پیش‌آمده در میدان فردوسی تهران که در پنجشنبه گذشته رخ داد، مطلع نبودند گمان می‌بردند مقرر است پرچم سرخ مزین به داس و چکش دوباره افراشته شود و این دخترکان هم می‌خواهند جا پای «رزا لوکزامبورگ» بگذارند. اما نه! همه عاشق بودند و قصد آن داشتند یاد زنی را زنده کنند که روزی روزگاری نماد عشق و عشاق تهران بود که شاید هنوز هم هست و خواهد بود. «یاقوت» نام زنی بود که همواره با لباسی سرخ به امید ملاقات با معشوق در میدان فردوسی حاضر بود و آن‌گونه که روایت می‌شود، در سال‌های ۶۲-۶۱ برای آخرین بار در این میدان دیده شده است. شاید اوان نوجوانی نسل ما همراه با آخرین حضور «یاقوت» در میدان فردوسی بوده باشد و هیچ تصویر روشنی از «یاقوت» در دسترس نیست. بوده‌اند بسیاری که برای «یاقوت» گفته یا خوانده‌اند. «محمدعلی سپانلو» در منظومه «خانم زمان» او را به یاد تهران می‌آورد؛ «بدان سرخ‌پوشی بیندیش / که عمری مرتب به سروقت میعاد می‌رفت / و معشوق او را چنان کاشت / که اکنون درختی‌ست برگ و برش سرخ» یا «فریدون فروغی» که پاتوقش کافه «فردوسی» در ضلع جنوب غربی میدان فردوسی بود و این روزها با عنوان سفره‌خانه «عیاران» شناخته می‌شود، ترانه «همیشه غایب» را از زبان «یاقوت» خواند. فیلم کوتاهی با برداشتی آزاد از زندگی «یاقوت» با عنوان «مثل همیشه» به کارگردانی «محمد حمزه‌ای» و بازی «آنا نعمتی» نیز ساخته شده است. در این سال‌ها حتی شایع شده بود «کریس دی‌برگ» ترانه «بانوی سرخپوش» یا «Lady In Red» را در رثای «یاقوت» میدان فردوسی تهران آواز سر داده است. روزنامه‌نگار پیشکسوتی هم در سال ۱۳۵۵ گفت و گویی با «یاقوت» را فراهم کرد. موضوع این برنامه عشق بود و در بخش‌هایی از آن این‌گونه روایت شده است؛ «در میدان فردوسی هستم. میعادگاه همیشه بانوی سرخپوش. بانویی که همیشه شما او را می‌بینید، سراپا سرخ با گلی در دست در روبه‌روی من نشسته...

شما خودتون رو معرفی می‌کنید؟

یاقوت.

چند سالتونه؟

۵۰ سال.

چرا همیشه لباس سرخ به تن شماست؟

از همه لباس‌ها بهتر است.

رنگشو بیشتر دوست داری؟

بله، بله.

چرا همیشه توی میدان فردوسی هستی؟

همیشه پاتوق من بوده. کجا برم؟ هرجا برم آسمون همین رنگه.

چرا تو یه میدان دیگری منتظر نمی‌شی؟

برای اینکه محل، اینجا شاید زندگی می‌کنم موندم اینجا دیگه.

می‌گن شما منتظر کسی هستی...

دروغه.

دروغه؟

بله

قوم و خویش و فامیل دارین؟

بله دارم.

چرا با آنها زندگی نمی‌کنی؟

چون از اولش این‌طوری زندگی کردم

چرا؟

کردم دیگه! چرا نداره!

خودتون دوست داشتین؟

آره.

یاقوت خانم می‌گن که شما عاشق هستید...

نه بابا! عاشق نیستم! عاشق؟ الان دیگه این حرف‌ها عیبه برای من.

در جوانی؟

در جوانی خب عاشق بودم. هر کسی در جوانی عاشقه در پیری هم عاشقه.

می‌گن که شما عاشق شدی و قرار ملاقاتی با معشوق‌تون داشتین در میدان فردوسی...

نه بابا من با یک‌سری دوست قدیمی زندگی می‌کنیم اینجا هستیم

از روز اول شما منتظر کسی نبودی؟

نه! نه این حرف‌ها دروغه...

دو سال پیش وقتی برنامه‌ای درباره عشق می‌ساختم، گفتم روزی تهرانی‌ها به یاد او می‌افتند، که مدتی است نیست و او که چنان ابر آمده بود آرام چنان ابر می‌رود. او آن کلید گمشده عشق شده بود و عشاق آنچنان که در رم چند سکه‌ای در چشمه‌ای می‌افکنند... در آفریقا رقصی تا صبح بر پای درخت مقدس می‌کنند و در همین تهران خودمان به توپ مروارید دخیل می‌بستند و به چنارهای پیر امامزاده‌ها، در اینجا چند تومانی در کف او نذر عاشقان بود. اما اینک نیست. شهری چون تهران که در هر خانه‌اش دیوان حافظی بر رف است بی‌عشق که نمی‌زید. پس او کجاست؟ اگر چیزی از او می‌دانید، ما را هم خبر کنید، همدیگر را خبر کنید. مبادا در این هیاهو شهر بی‌عشق بماند.»

■■■

شمال میدان فردوسی حوالی همان جاهایی که «یاقوت» منتظر می‌ایستاد، فروشگاه پوشاکی است. نام این فروشگاه هم با سرخپوشی دخترانی همراه بود که پنجشنبه عصر به یاد «یاقوت» در میدان فردوسی حاضر بودند. تجمع دختران سرخپوش به آنجا منتهی شد که کار و کاسبی این فروشگاه سکه شد! دختران سرخپوش به اجبار وارد فروشگاه شدند و هرکدام شال و مانتوی سرخ خود را با البسه‌ای در همین مقیاس به قیمت واحد هرکدام شش هزار تومان به رنگی دیگر تغییر دادند. دیگر قرمز به تن نداشتند اما هر کدام مستعد «یاقوت» بودند.

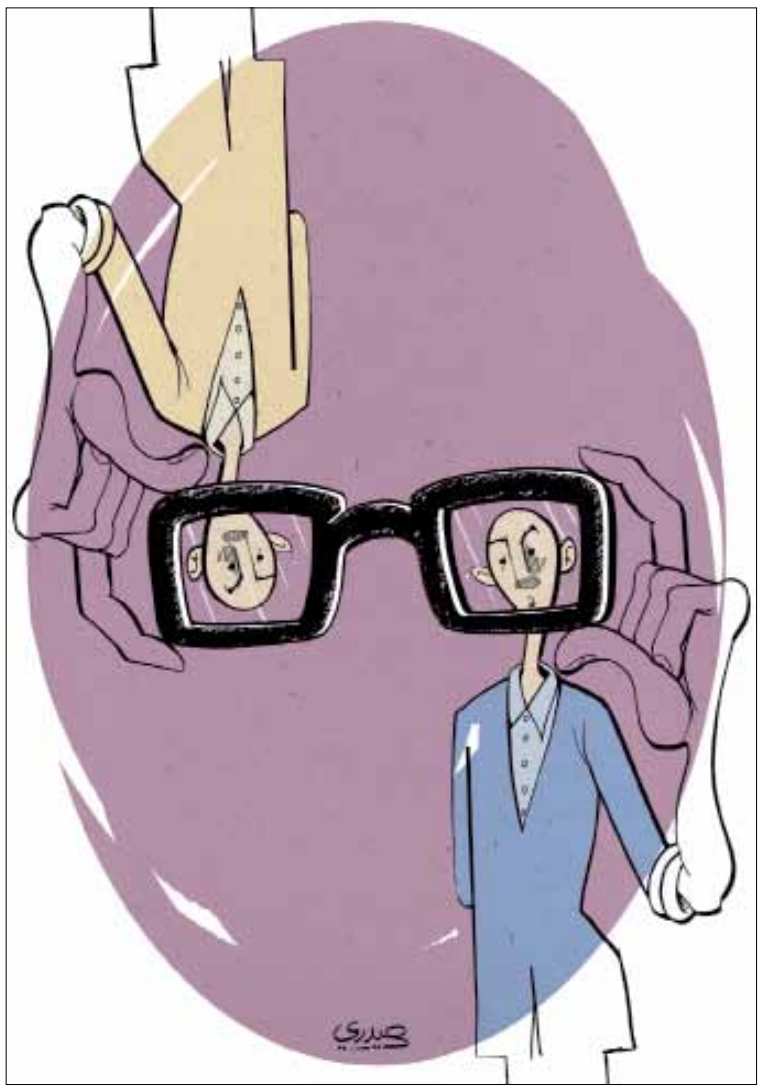


عکس: شهراد شیخی

کارتون خواب



هادی حیدری
cartoononline.persianblog.ir



تغییر

استعفای آمار



سعید مدنی

فرمانده نیروی انتظامی در مصاحبه اخیر خود ضمن تاکید بر نادرست بودن آمار منتشر شده درباره تمایل جوانان به رابطه با جنس مخالف و مصرف مشروبات الکلی برای حضور در میزگردی جهت بررسی آمار جرایم اعلام آمادگی کرد و گفت: در صورت تایید آمارهای غیررسمی، از سمت خود استعفا می‌دهد. این سخنان احمدی مقدم واکنشی است به اظهارات برخی محققان و صاحب‌نظران مسایل اجتماعی درباره روند نامطلوب جرم و مشکلات اجتماعی و انتشار نتایج برخی پژوهش‌ها در زمینه مسایل اجتماعی. فرض کنیم که برخلاف نظر فرمانده نیروی انتظامی آمار منتشر شده مبنی بر نامطلوب بودن روند مشکلات اجتماعی و جرم صحت داشته باشد، در این صورت آیا مسوولیت این وضعیت را باید فرمانده نیروی انتظامی عهده‌دار شود و به دنبال آن استعفا دهد یا دیگر مسوولان و مقامات مربوطه؟ عموما در تحلیل علل بروز و شیوع جرایم و مشکلات اجتماعی به سه سطح از عوامل اشاره می‌شود:

سطح کلان: اگر سیاست‌های دولت به فقر و نابرابری، متوقف شدن رشد اقتصادی، افزایش بیکاری و گسترش مناطق اسکان غیررسمی و بی‌خانمانی منجر شود، بی‌شک جرم و مشکل اجتماعی افزایش خواهد یافت. در واقع سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولت‌ها در سطح کلان از علل و عوامل مهم بروز و شیوع مشکلات اجتماعی و جرم هستند و وظایف ذاتی نیروها و مقامات انتظامی کوچک‌ترین ارتباطی با تعیین و تدوین این سیاست‌ها و برنامه‌ها ندارد.

سطح میانه: گروهی از نهادها و سازمان‌ها از جمله سازمان‌های مسوول سلامت روان، نهاد خانواده و نهادهای مسوول سلامت اجتماعی وظیفه دارند با برنامه‌ریزی و مداخله اقدام به کنترل و کاهش مشکلات اجتماعی و جرم کنند. اگر این سازمان‌ها دچار ناکارآمدی شوند و نتوانند به وظایف خود عمل کنند، انحرافات اجتماعی و جرم افزایش می‌یابند. نیروی انتظامی هم در ردیف این سازمان‌ها قرار دارد البته با این تفاوت که انتظار می‌رود نیروهایی که بر پایه قوه‌قهریه به مداخله برای کنترل و کاهش مشکلات و جرم اقدام می‌کنند در صف آخر مداخله قرار گیرند. بر این اساس اگر آمار مورد نظر فرمانده نیروی انتظامی صحت داشته باشد، پیش از فرماندهی این نیرو، مدیران دیگر سازمان‌ها و نهادهای مسوول از جمله ستاد مبارزه با موادمخدر، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، کمیته امداد و سازمان بهزیستی باید به دلیل ناکارآمدی سازمانی و مدیریتی‌شان استعفا دهند. به علاوه همچنان که اشاره شد نهاد خانواده نیز سهم بسزایی در کنترل و کاهش مشکلات اجتماعی و به‌خصوص جرم دارد. از این رو نهادهای دولتی که با مداخلات‌شان در حریم خصوصی افراد و خانواده، این نهاد را تضعیف می‌کنند نیز سهم مهمی در افزایش جرم و بزه دارند.

سطح خرد: گروهی از افراد به دلایل مختلف بیش از دیگران مستعد گرایش به جرم و بزه هستند. به عنوان مثال معتادان، برخی از افراد دچار اختلال روان یا افراد با بهره هوشی پایین بیشتر از دیگران تمایل به بزه یا جرم دارند. اگرچه برخی سازمان‌ها و نهادها مسوولیت مدیریت این افراد را دارند اما تنها تعداد محدودی از آنها تحت پوشش قرار می‌گیرند و مابقی در حالی که مثل افراد سالم در جامعه تردد می‌کنند، فرصت آن را خواهند داشت تا دیگران را تهدید کنند. در این‌گونه موارد و تا قبل از وقوع جرم نیروهای انتظامی نقش یا وظیفه‌ای ندارد.

برخلاف وضعیت موجود که نیروی انتظامی محور اقدامات و مداخلات برای کنترل و کاهش مشکلات اجتماعی و جرم قرار گرفته، این نیرو صرف‌نظر از سهم بسیار کوچکی که در پیشگیری از جرم می‌تواند ایفا کنند- وظیفه‌ای که تقریبا به دست فراموشی سپرده شده است- بر حسب وظایف ذاتی خود نمی‌تواند علل و عوامل مشکلات اجتماعی جرم را کنترل و از بروز و شیوع جرایم ممانعت به عمل آورد. کار نیروی انتظامی کشف جرم و بازداشت عوامل آن است و در صورت موفقیت، نسبتی کم یا زیاد از مجرمان را بازداشت می‌کند، اما این نیرو هرگز قادر نخواهد بود عواملی را که موجب اقدام مجرمان به بزه می‌شود از بین ببرد یا حتی کاهش دهد، زیرا اساسا این عوامل در حوزه وظایف این نیرو قرار ندارند. این واقعیت هرگز نباید منجر به آن شود تا مقامات انتظامی، از انتشار گزارش‌های تحقیقاتی صاحب‌نظران درباره وضعیت اجتماعی مخالفت کنند یا برای پژوهشگران محدودیت ایجاد کنند. اولین گام برای بهبود وضعیت اجتماعی شناخت آن بر پایه موازین علمی فارغ از هر مصلحت دیگری است.

دکه

شیر ایران با «سرزمین من» آمد

ماهنامه ایران‌شناسی و ایران‌گردی «سرزمین من» در ۱۶۸ صفحه منتشر شد، در این شماره پرونده کاملی درباره شیر ایرانی به خوانندگان عرضه شده‌است. برای اولین بار در تاریخ مطبوعات ایران، شیر ایرانی جلد یک نشریه شده‌است «سرزمین من» در این شماره و در جشن سه‌سالگی‌اش سنگ تمام گذاشته‌است، به همین مناسبت ۳۰ صفحه ویژه در اختیار خوانندگان علاقه‌مند قرار می گیرد. «روزی روزگاری دریاچه» که در بخش طبیعت این شماره منتشر شده گزارشی است که نویسندگان «سرزمین‌من» در آن به سرگذشت دریاچه ارومیه پرداخته. در بخش راهنمای سفر سرزمین نیز، ۱۰ سفر برای پاییز پیشنهاد شده . از این شماره بخش تازه‌ای به مجله اضافه شده که «تازه‌های ایران‌شناسی و ایرانگردی» نام دارد. بیست و ششمین شماره پیاپی «سرزمین من»، با قیمت سه‌هزار تومان منتشر شده است.

رویداد

نمایش فیلم‌های ایرانی در جشنواره فیلم ابوظبی

شرق: با حضور فیلم‌هایی از کارگردانان ایرانی و دو داور از سینمای ایران، پنجمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم ابوظبی در شهر ابوظبی در کشور امارات متحده عربی برگزار می‌شود. به گزارش روابط عمومی جشنواره بین‌المللی فیلم ابوظبی، پنجشنبه شب، ۲۱ مهر (۱۳اکتبر) با نمایش فیلم سینمایی «آقای لزهر» (Monsieur Lazhar) به کارگردانی «فیلیپ فالاردو» نماینده سینمای کانادا در اسکار ۲۰۱۲، پنجمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم ابوظبی در سالن مجلل و روباز «فرمنت باب البحر» شهر ابوظبی در کشور امارات متحده عربی افتتاح شد. در این جشنواره، فیلم‌هایی از کارگردانان ایرانی از جمله «اصغر فرهادی»، «سیف‌الله صمدیان» و «امید عبداللهی» و همچنین «قبادی» به عنوان داور بخش مسابقه «افق جدید» و «فاطمه معتمدآریا» داور بخش بنیاد توسعه سینمای آسیا «نتپک» (NETPAC) حضور دارند؛ فیلم‌هایی که از کارگردانان ایرانی در جشنواره بین‌المللی فیلم ابوظبی به نمایش درمی‌آیند، عبارتند از فیلم سینمایی «جدایی نادر از سیمین» به کارگردانی «اصغر فرهادی» در بخش «مسابقه اصلی»، فیلم کوتاه «سرار» و فیلم کوتاه «چیزی در تهران اتفاق می‌افتد» به کارگردانی «سیف‌الله صمدیان» در بخش مسابقه فیلم‌های کوتاه و فیلم کوتاه «پانسمان» به کارگردانی «امید عبداللهی» در بخش مسابقه فیلم‌های کوتاه. در پنجمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم ابوظبی ۱۷۹ فیلم از ۴۲ کشور جهان روی پرده می‌روند و برای اولین بار ۲۵ فیلم سینمایی در سطح جهان در این جشنواره به نمایش درمی‌آیند. از طرف مسوولان برگزاری این جشنواره، جایزه صدهزار دلاری برای بهترین فیلم بخش «مسابقه اصلی»، جایزه ۵۰هزار دلاری برای فیلم دوم این بخش، جایزه ۲۰هزار دلاری برای بهترین بازیگر مرد و زن این بخش از جشنواره و همچنین برای بخش‌های دیگر نیز جوایزی نقدی در نظر گرفته شده است.

من که سردر نمی‌آورم

زن و بچه‌های زرنگ



ناهید طباطبایی

■ داشتم از مسافرت بر می‌گشتم. می‌ترسیدم ساکم سنگین باشد و ازم اضافه بار بگیرند. اما وقتی رسیدم دم «گیت»، میهماندار ساکم را گرفت، برچسب زد و گفت بگذارم یک کناری تا بفرستند توی قسمت بار هواپیما. نفس راحتی کشیدم و رفتم سر جایم نشستم و مشغول تماشا شدم. مسافرهای هواپیما همه ایرانی بودند، دلم برای ایرانی‌ها تنگ شده بود. زل زدم به مسافرها و گوش‌هایم را تیز کردم. کم‌کم متوجه شدم که خیلی از ساک‌هایی که برچسب مخصوص دارند، می‌آورند توی هواپیما و به زور می‌چپانند توی قسمت بار بالای صندلی‌ها. توی شش‌وبش این ماجرا بودم که یک دفعه دختر خانمی خندید و به آقای همراهش گفت: «دیدی چه‌کار کردم. صدایش را درنیاور. به ساک برچسب زد، اما من آوردمش تو.» فهمیدم که کار من اشتباه نبوده و خیالم راحت شد. کمی بعد زن جوانی را دیدم که همراه دو دخترش آمد و روبه‌روی من یک صندلی جلوتر نشست. دخترها نسبتا بزرگ بودند و داشتم فکر می‌کردم چقدر زود ازدواج کرده که شوهرش کیف او را داد دستش و گفت نگهدار برای بشقاب‌ها. نفهمیدم برای کدام بشقاب‌ها، بنابراین دیگر بهش فکر نکردم. مجله‌ای از جیب صندلی جلویی درآوردم و مشغول ورق‌زدن شدم و سعی کردم توی نخ مردم نروم. شام که تمام شد، دوباره حواسم رفت پیش خانم و دخترهایش. این دفعه هرکاری کردم نتوانستم رویم را برگردانم. خانم جوان با دقت و حوصله خیلی زیاد، تمام ظرف‌های غذا را پاک کرد و گذاشت توی پاکت سفیدی که از جیب صندلی جلویی برداشته بود. بعد در کیف گنده‌اش را باز کرد و پاکت را چپاند توی کیفش. آن وقت تمام سینی‌ها را گذاشت روی هم و آشغال‌ها را ریخت توی یکی و حسابی جمع و جور کرد. حسابی تعجب کرده بودم. دلم برای بچه‌ها سوخت که چنین مادری دارند. داشتم فکر می‌کردم که یک مادر باید جلوی بچه‌هایش خیلی خانم‌تر از این حرف‌ها باشد، آن هم جلوی دخترهایی به این جوانی. وقتی میهماندار با میز چرخدارش رسید کنار آنها، دختر بزرگ‌تر که به گمانم ۱۳، ۱۴ ساله بود به انگلیسی سلیسی از میهماندار پرسید که اسمش چیست و وقتی میهماندار با تعجب اسمش را گفت، دختر دستش را دراز کرد، اسم خودش را گفت و از آشنایی با او ابراز خوشوقتی کرد. میهماندار هم با کمال تعجب با او دست داد. در این فرصت مادر نازنین خیلی سریع سینی‌ها را گذاشت سر جایشان و به دخترکانش لبخند زد. دخترها خندیدند و شوهر که جلو من نشسته بود، سری تکان داد. به گمانم از خودش که چنین زن و بچه‌های زرنگی داشت، خوشش آمده بود.

ادامه از صفحه اول

پاسداشت ۱۲ بانوی موسیقیدان

آلبوم برگزیده دوم و سوم به ترتیب «هوای آفتاب» و «خانه غریب» نام داشت. برای بهترین آهنگساز در این بخش در رتبه اول هیچ انتخابی صورت نگرفت و نوید دهقان برای آلبوم «هوای آفتاب» نفر دوم و پویان بیگلر برای آلبوم «خانه غریب» و هوشنگ فراهانی برای آلبوم «باده نوشین» در جایگاه سوم قرار گرفتند. بهترین خواننده در این بخش وحید تاج برای آلبوم «خانه غریب» و سالار عقیلی برای آلبوم «باده نوشین» بودند. هیات داوران بخش آلبوم موسیقی کلاسیک تقی ضرابی، هوشنگ کامکار و ارسلان کامکار بودند. در این بخش آلبومی به عنوان بهترین انتخاب نشد و بهترین آهنگسازی به فردین خلعتبری برای آلبوم «به خاطر سنگفرشی که مرا به تو می‌رساند» تعلق گرفت. کارن همایونفر برای آلبوم «سرانجام» رتبه دوم و علی قمصری برای آلبوم «بدرود بدرود» به‌عنوان نفر سوم انتخاب شد. در این بخش محمدرضا صادقی از شاگردان محمد نوری قطعه «همان بودی که می‌گفتی» را با شعری از افشین یداللهی اجرا کرد و سپس نوبت به معرفی کتاب برتر رسید. در بخش کتاب برتر، علیرضا مشایخی نفر اول در بخش کتب آموزشی، حسین میثمی نفر اول در بخش کتب پژوهشی و سیروس جمالی نفر اول در بخش کتب ترجمه شدند. در بخش آموزشی، نسبی احمدی در رتبه دوم و حمید نعمت‌الله‌زاده در رتبه سوم قرار گرفتند. در بخش پژوهشی هم بهمن کاظمی به عنوان نفر دوم و بابک خضرایی به عنوان نفر سوم انتخاب شدند. در بخش کتب ترجمه هم مسعود ابراهیمی به عنوان نفر دوم انتخاب شد. هیات داوران در این بخش رتبه سوم را انتخاب نکردند. هیات داوران بخش کتاب مصطفی پورتراب، هومان اسعدی و محمدرضا فیاض بودند. در بخش پایانی این جشن چهار هنرمند بزرگ؛ اردشیر کامکار نوازنده کمانچه، وحید اسداللهی نوازنده ناقاره، بهداد بابایی نوازنده سه‌تار و کامبیز گنجه‌ای نوازنده تمبک به هنرنمایی پرداختند تا دوازدهمین جشن خانه موسیقی با نوای سازهای این چهار هنرمند و طنین زیبای موسیقی آنها خاتمه یابد. این جشن با حضور هنرمندان و مسوولان فرهنگی و موسیقی کشور از جمله حمید شاه‌آبادی، محمد میرزمانی، محمد سریر، حمیدرضا نوربخش، مجید سرسنگی، احمد مسجدجامعی، مصطفی پورتراب، داریوش پیرنیاکان، مریلا زارعی، مجید جوزانی، داوود گنجه‌ای، نادر گلچین، صدیق تعریف و ... برگزار شد.